

**نویسنده:** کیوین زیس (Kevin Zeese) و مرگریت فلاورس (M. flowers).  
**منبع و تاریخ نشر:** (گلوبال ریسرچ «2018-06-10».)  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

---

## اساس و بنیاد عدالت بین المللی در ضدیت با امپریالیزم است

The foundation for international justice is  
Imperialism



ایالات متحده آمریکا پس از جنگ داخلی در کشور، شروع به ترویج سیاست امپریالیزم کرده است. راه جنگ ایالات متحده که در برابر مردم بومی توسعه یافت؛ در سراسر جهان گسترش داده شد. زیرا که ایالات متحده قصد داشت که قدرت خود را از طریق نیروهای نظامی، سلطه اقتصادی و سلطه ای دیپلماتیک گسترش دهد.

چرخیدن و یا بجلورفتن امپریالیزم را مارتین لوتر کنگ جونیور با سه شرط و یا شرارت جدا نا پذیر از پیکر امپریالیزم اعم از نژاد پرستی، سرمایه داری و نظا میگری آن را در پایان عمر خود شناسایی کرد. لیکن امپریالیزم را بعنوان بالاترین مرحله سرمایه داری توصیف کرد. امپریالیزم بخاطر کسب توجیه کشتار جمعی و کتلوی دست به توطیه زد که در نتیجه آن این ایالات متحده آمریکا است که (20) میلیون نفر را از هنگام جنگ

جهانی دوم کشته و یا سر به نیست کرده است. لذا لازم پنداشته میشود و یا در خور اهمیت خواهد بود که مردم ایالات متحده امریکا به امپریالیزم و امپریالیست ها با بد بگویند که (نه).

دفاع و یا طرفداری از امپریالیزم برای پیشگیری از سراسیمگی در محیط نظامیان ایالات متحده امریکا ضروری است و با در نظر داشت سرشت امپریالیزم؛ ایالات متحده امریکا با تغییر قیافه و پنهان کاری با حمله بر رهبران به اصطلاح «دیکتاتور» از نظر امریکا که از خشونت علیه مردم خود استفاده میکنند آنها را مسخره میکنند و یا چنین وانمود می کنند که امریکا مخالف سر سخت همچو دیکتاتوران است و تا جا یکه این نوع برخوردها و یا نقش بازی ها نتیجه جنگهای تحت عنوان «بشر دوستانه ای» اورویلیون (Orwellian = اورولی) (به انگلیسی: orwellian) یک صفت است که به رفتارها و سیاست های کنترلی به وسیله تبلیغات، پایش و شنود، اخبار نادرست، انکار حقیقت، و دستکاری گذشته اشاره دارد، که توسط حکومت های سرکوبگر مدرن مورد استفاده قرار می گیرد. این وضعیت و شرایط اجتماعی را جرج اورول در رمان ها پیش، به ویژه کتاب ۱۹۸۴ توصیف کرده است، و به همین خاطر، به آن اورولی یعنی منسوب به اورول می گویند.<sup>1</sup> ... از ویکی پیدیا توسط این قلم) است که توسط پیروان و یا جا نشینان او (حاکمان دولتی ایالات متحده امریکا) در داخل یک کشور با سربراه کردن و تمویل بودجه هنگفت بخاطر ایجاد مخالفت با دولت یا با وضع نمودن تحریم های اقتصادی بر آن کشور (از نظر امریکا نامطلوب) زمینه در دورنج گسترده مردمان آنرا مساعد می سازد.

تبلیغاتی که اینگونه سوء استفاده ها را توجیه می کند؛ قصد و نیت واقعی آن - پنهان نمودن بظاهری سلطه ایالات متحده میباید شد؛ بنا بر این؛ شرکت های امریکایی میتوانند از منابع و دریافت کار و یا اشتغال لات ارزان قیمت نیروهای بشری در کشور های در تحت زعامت حاکمان دوست امریکا سود هنگفتی را بدست آورند. قابل تذکر است که متأسفانه مردم اکثر کشورها لفاظی های امریکارابه اشتباه میگیرند و گاهی هم ادعاهای امپریالیست های ایالات متحده امریکارا تکرار میکنند یعنی اشتباهی پذیرند که ادعاهای امپریالیست های امریکا درست است و به این شکل به مداخله ایالات متحده امریکا کمک میکنند.

**امروز امپریالیزم امریکا چرا باید مخالف باشد:**

امپریالیزم ایالات متحده امریکا از طریق نظا میگری، توافقنامه های تجاری شرکتها، محاصره اقتصادی و دادن و یا ایجاد قروض و یا بدهی ها، به شدت در هر قاره از جهان کار و فعالیت میکند، نابودی لیبی در یک جنگ غیر قانونی «بشر دوستانه» و نابودی و تخریب کامل عراق در یک جنگ ناعادلانه توجیه پذیر که در آن هر دو رهبر (صدام حسین و معمر القذافی) بصورت وحشیانه و دور از کرامت انسانی ترور شدند. که این خود ضرورت واضح بودن ضد امپریالیستی را برجسته می سازد.

امروز بسیاری از کشورها از امپریالیزم رنج می برند اما در اینجا صرف چند نفر و یا چند کشور هستند؟



### پایان امپریالیزم ایالات متحده آمریکا: سازمان مشهور مقاومت

**سوریه:** هر ریس جمهوری که در آمریکا بر اریکه قدرت زما مداری در قصر سفید تکیه زده است یعنی از دهه (1940) به دنبال سوریه و یا در ضدیت با سوریه شمشیر از نیام کشیده و برنامه های خاصی را برای تغییر رژیم در این کشور روی دست گرفته اند. درگیری های سوریه اغلباً بعنوان یک جنگ داخلی تعریف میشود؛ یعنی که میتوان این جنگ را جنگ تجاوزکارانه ای آمریکا؛ عربستان سعودی و اسرائیل نام نهاد. اسنادویا دیکومنت ها در ارشیف دولت زمان زمامداری جورج دبلیو بوش نشان میدهد که برنامه های برای تضعیف دولت «اسد» از طریق تروریزم، ایجاد هرج و مرج و سایر حملات در دست اجرا گرفته شده بود. در سال (2006) ایالات متحده آمریکا شروع به تامین مالی مخالفان خارجی دولت «اسد» کرد. و در سال (2007) یک برنامه ای برای تغییر رژیم در سوریه بین ایالات متحده آمریکا و اسرائیل و عربستان سعودی به توافق و امضا رسید یعنی که این توافقنامه تصویب شد با در نظر داشت تحقق این توافقنامه ایالات متحده آمریکا آغاز به استفا ده از ابزار انقلاب رنگی (color revolution) سازماندهی مخالفان «اسد» را در سوریه براه انداخت دست به آموزش روزنامه نگاران شهری و تحریک شورشیان زد.

در دوران خیزش ویا بها رعبی سال (2011) دستگیری جوانان ضد دولت «بشر الاسد» در حومه ویا در منطقه ای در بعا (Deraa) منجر به اعتراضات شد ، پولیس بخاطر متفرق ساختن جوانان معترض از تا نکرها و موترهای آب پاشی واستعمال گاز آشک آور کار گرفت ، اعتراضات در روز سوم به خشونت کشا نده شد ، هر چند که «بشر الاسد» اعلام کرد که جوانان باز داشت شده را رها میکند ، پولیس با معترضان که مسلح بودند جنگید که در نتیجه باعث مرگ هفت نفر پولیس گردید ، معترضان به دادگاه ومقر حزب «بعث» حمله کردند ، اعتراضات هر چه بیشتر بشکل خشونت آمیز ادامه پیدا کرد و هر چه بیشتر تر تشدید شد که در اینصورت حکومت سوریه ناگزیر شد که این اعتراضات را با خشونت پاسخ دهد .

رابرت فورد (Robert Ford) نخستین سفیر ایالات متحده امریکا در سوریه در طول مدت پنج سال ما موریت خود با معترضان بخاطر تغییر رژیم در سوریه همنوا وهم صدا بود وهمه وقت خواهان تغییر رژیم در سوریه بود او به سوریه سفر کرد تا شورشیان را علیه دولت «بشر الاسد» تحریک کند . به اساس یک مصاحبه او با یک نماینده سپاه (سی آی ای) انجام داده بود چنین وانمود شده بود که او باید از سوریه فرار میکرد .

اما این وضعیت در سوریه به یک جنگ (7) ساله منجر شد که موجب صد ها هزار مرگ ومیر ، بیجا شدن های مردم ، جرم ، جنایات جنگی گردید در هر طرف از کشور جنگ شعله ور شد ونیز بر دولت سوریه تهمت زدند که این دولت سلاح های شیمیایی در اختیار دارد و مخالفین خود را توسط آن سلاح ها از بین میبرد که کاملاً دروغ ونا درست بود تا آنکه در این هفته در حدود (70) قبیله از مردم سوریه در زمانیکه اسرائیل وایالات متحده امریکا به مبارزات خود علیه دولت بشر الاسد شدت دادند بر ضد امریکا ومتحدان اش آماده جنگ وحمله گردیدند وبر نیروهای امریکایی حمله کردند .

ایالات متحده امریکا دارای منافع چند امپریالیستی در سوریه است . از جمله امریکا میخواهد که پایگاه نیروی دریایی روسیه را که در «تارتوس» سوریه در مدیترانه قرار دارد حذف شود . در رقابت به خط لوله گاز از ایران به سوریه میخواهد که یک خط لوله گاز را از قطر به ترکیه تمدید کند ونیز با یافتن بزرگترین منابع گاز میتان در آب های ساحلی اسرائیل ولبنان به این احتمال که این گاز میتان ممکن در آب های متعلق به سوریه نیز باشد منافع خود را می بیند تا به همچو منابع دسترس پیدا کند .

**ایران:** تلاش امپریالیزم ایالات متحده امریکا در سوریه بخاطر تسلط وتامین اهداف اش در گره ویا در وابستگی با اهداف اش همچنانیکه در ایران بود؛ است . این امریکا بود که در سال (1959) با اجرای یک کودتاه توسط سازمان سپاه (سی آی ای) شاه ایران را مجدداً بخاطر تامین منافع خود بر اریکه قدرت بنشانید یعنی «شاه» دیکتاتور

ی را که تا سال (1979) بالای مردم ایران حکمروایی کرد هدف از انجام کودتاه در ایران تلاش امپریالیزم بخاطر دسترسی و تسلط کامل امریکا بر منابع نفتی ایران بود.

ایالات متحده امریکا برحسب دکترین خود بخاطر تغییر رژیم از ابزارهای مشا به که در دیگر کشورها استفاده کرده است همان ابزارها را بخاطر تغییر رژیم در سوریه نیز بکار برد که این ابزارها عبارت اند از: تمویل تخصیصه و یا هزینه گزاف بمنظور ایجاد مخالفت با دولت نافرمان، حمایت، ساخت و دستکاری اعتراضات، وضع تحریم های اقتصادی و تهدید دولت های نافرمان بوسیله نظامیگری. تا جاییکه اکنون این استراتژی های امریکا موجب اختلالات شده است ولی با آنهم زمینه را برای ناکامی دولت فراهم کرده است.

تحریم ها و تخطی ها و خشونت های ایالات متحده امریکا و کناره گیری آن کشور از توافق هسته ای (بگونه مثال از توافقنامه هسته ای با ایران) ممکن است وضع را چنان تغییر دهد که امریکا را الزاماً به عقب نشینی وادارد، چونکه کشورها در حال مخالفت و در حال مبارزه بر علیه امریکا می باشند و چنین به نظر می آید که شاید ایالات متحده امریکا با پیروی از همچو سیاست در سازمان ملل متحد در حال تجرید و انزوا قرار گیرد. ایالات متحده امریکا همچنین برنامه تبلیغاتی دروغین اش را توسط رسانه ها مزدور به ارتباط برنامه سلاح های هسته ای ایران براه انداخته است که این تهمت زنی امریکا بر ایران مبنی به داشتن سلاح های هسته ای و یا حمایت ایران از تروریسم درست نیست صرف یک دروغ محض و پوچ است همانطور که این دروغ پراگنی ها را در مورد عراق و لیبی و سوریه بکار گرفت و انجام داد رویهمرفته اکنون همه میدانند که اسرائیل خواهان جنگ با ایران است؛ این امر ممکن است منجر به ایجاد یک جنگ مشابه جنگ سوریه در ایران شود که در آن صورت بعید نخواهد بود که تهدید امنیت جهانی را در قبال نداشته باشد.

**ونزوئلا:** کشور دیگری با منابع نفتی وسیع، ونزوئلا با تغییر رژیم، کوتاه و جنگ بخاطر تحکم و تسلط امپریالیزم امریکا که توسط نخبگان ایالات متحده امریکا حمایت میشود در تحت تهدید و شانتا ز قرار دارد.

امپریالیزم ایالات متحده امریکا به هدف تغییر رژیم در ونزوئلا از همان ابزارهای تغییر رژیم استفاده میکند که از آن افزارها قبلاً یاد کردیم و این ابزارها بگونه مثال براه انداختن یک دروغ در مورد حکومت دیکتاتوری در ونزوئلا که در زیر نام این دروغ محض میخواهد در ونزوئلا تحریم های اقتصادی را وضع وجوه مالی بالا را بخاطر ایجاد مخالفت مردم با دولت، زمینه سازی برای اعتراضات مردم علیه دولت و تروریسم را بمنظور به راه انداختن یک جنگ داخلی و جنگ اقتصادی؛ در اجندای

کار خود شامل ساخته است که این خود چالشی برای ونزوئلا ایجاد میکند. جنگ اقتصادی ایالات متحده آمریکا دربرگیرنده عدم دسترسی مردم به مواد و احتیاجات اولیه از جمله مواد غذایی، دارو و ..... که این جنگ اقتصادی را به کمک خابنین ثروتمند داخلی تحت فرمان خود براه می‌اندازد و آمریکا در عین حال بخاطر سرقت نفت و پیدا کردن دسترسی به منابع نفتی آن کشور از هیچگونه تلاش خود داری نمیکند و با در نظر داشت همین اصل دست به تبلیغات دروغین زده و چنین بهانه می‌آورد که در ونزوئلا بحران انسانی وجود دارد تا به اینصورت برای دخالت رزیلانه خود دستاویز بدست آورد.

در بین بسیاری از مردم متأسفانه احمق‌های وجود دارد که در مخالفت با امپریالیسم آمریکا روش‌شان روشن نیست و همچنان در ونزوئلا هستند کسانیکه در مخالفت با آمریکا باهم متحد هستند. متحدین داخلی مجرم به جنایات از دوستان ایالات متحده آمریکا که در سال (2016) مجلی نمایندگان را در تحت سلطه و کنترل خود داشتند به (17) زندان محکوم شدند.

در آمریکای لاتین و بویژه در ونزوئلا؛ کولمبیا نقش اسرائیل را برای ایالات متحده آمریکا بعنوان نقطه‌ای از تهدید و جنگ آمریکا بازی میکند. کولمبیا برای تغییر رژیم در ونزوئلا از مدت‌های طولانی با سازمان سیا (سی‌آی‌ای) آمریکا کار و فعالیت مشترک مینماید. در واقع کولمبیا کشوری است که ابزار نظامی امپریالیسم و «ناتو» را به آمریکایی‌های لاتین آورده است؛ آمریکا و متحدان آمریکایی پیوسته به دنبال جنگ هستند، آمریکا و متحدان‌اش معمولاً درآمده‌گی به جنگ، و به انجام عملیاتهای نظامی و کودتاها هستند تا جایکه جهان مانند آمریکای لاتین میگویند (نه) جنگ علیه ونزوئلا. در انتخابات دموکراتیک ونزوئلا که منتج به موفقیت ریس جمهور مادرو (Maduro) شد واقعاً که شکست امپریالیسم آمریکا بود، انتخابات در ونزوئلا به آن منظور مهم بود که ونزوئلا را آمریکا، کانادا و اتحادیه اروپا تهدید میکردند؛ لذا این انتخابات به یک امر تعیین‌کننده و قاطع برای انقلاب بولیوار (Bolivarian) بود که در حال حاضر ادامه دارد.

### **واما در اینجا بیشتر وجود دارد.**

تذکر پیرامون این سه نمونه (سوریه، ایران و ونزوئلا) سمپلی از بسیاری نمونه‌ها است و اما در آمریکایی‌های لاتین از طریق سازمان‌های غیر دولتی، سازمان‌های متعلق به آمریکا و الیگاریشی - فعالیت‌های در جهت مخالفت با دموکراسی و حمایت از سیاست‌های نیولیبرالیستی صورت میگیرد، آمریکا تاریخ طولانی از براه انداختن کودتاها را دارد. در نیکاراگوا بخاطر تغییر رژیم از همان ابزار تغییر رژیم استفاده شد، در هند و راس و در برزیل یک کودتای نرم ابزار با حمایت ایالات متحده آمریکا در اجندای

کاری آن کشور قرار داشت .

کودتاها و نظامیگری تنها محدود به امریکایی لاتین نیست . چنانچه که در دوران حاکمیت (بارک اوباما) کودتا توسط ایالات متحده امریکا در «اکراین» رخ داد و در کنار آن پیوسته تلاش صورت گرفته است که به رهبری ایالات متحده امریکا کودتا های پیهم در خاور میانه رخ دهد- اکراین برای ایالات متحده امریکا به آن نسبت با اهمیت بود و یا است که در همجواری روسیه قرار دارد و امریکا پیگیرانه در تلاش است تا در اکراین حضور نظامی پیدا کند. یک مقام وزارت امور خارجه ویکتوریا نیولاند (V. Nuland) اظهار نمود: که امریکا (5) میلیارد دلار را بخاطر ایجاد مخالفت علیه دولت ویکتوریانکیویچ بخاطر براه اندازی کودتا هزینه کرده بود- اکنون تصمیم امریکا بر این است که اکراین را علیه روسیه مسلح کند پس با این وجه خطر رو به رشد است .

اعتراض چشمگیر علیه ویکتوریانکیویچ (Viktor Yanukovych) رئیس جمهور منتخب دموکراتیک در سال (2014) با براه اندازی یک کودتا توسط ایالات متحده امریکا به همکاری نیونازی های خشونت آمیز اوکراین صورت گرفت که به سقوط حکومت او منتهی شد. به گفته ای سترتفر (Stratfer) یک نهاد (سی آی ای) این کودتا در دوران زمامداری بارک «اوباما» یک «کودتای پر رنگ تر در تاریخ بود» از اینکه ایالات متحده امریکا بر صنایع گاز و کشتا ورزی تسلط پیدا کرد ، پسر جو بایدن و یک دوست قدیمی جان کیری را در هیئت مدیره گماشت ، یک مامور سابقه وزارت امور خارجه را بعنوان وزیر مالیه برگزید ، ایالات متحده امریکا در «داخل اکراین خودما» نخست وزیر رابعنوان رئیس جمهور برگزید و تبلیغات رسانه ای ایالات متحده امریکا از دوباره متصل شدن کریمه به قلمرو روسیه پیوسته ولادیمیر پوتین را بعنوان یک شخص شرور و قتنه انداز دانسته و کوس تبلیغات رسانه ای امریکا با همچو یاره سرایی ها به گرمی نواخته میشد.

باید خاطر نشان ساخت که نمونه های جدیدتری از امپریالیزم امریکا در اینجا وجود دارد ، ما با بحث کوتاهی و یا با بحث فشرده ای درباره افریقا پرداختیم یعنی بر جایی که ایالات متحده به جستجو و به دنبال تسلط بر زمین ، منابع و نیروی کار و نفت قاره ای است که از نظر منابع طبیعی خود در قرن بیست و یکم نقش تعیین کننده ای دارد جاییکه در آنجا ایالات متحده امریکا سالانه بیش از (100) بلیون دلار را به سرقت می برد از سوی دیگر در زمان اداره «بارک اوباما» **افریکم** (AfriCom) = فرماندهی ایالات متحده افریقا) به میزان قابل توجهی گسترش یافته و ایالات متحده امریکا در حال حاضر دارای موافقتنامه نظامی دو طرفه در سراسر قاره افریقا، پایگاه های نظامی و میدانهای هواپیماهای بدون سرنشین ، نیروهای ویژه عملیاتی و حضور نظامی در (53) کشور از (54) کشور افریقایی دارد .

کنگو که از مدت (500) سال تاحال از امپریالیزم اروپا و امریکا رنج میبرد کشوریکه از آن در این اواخر «چهار ملیون نفر» آواره شده اند قابل ملاحظه است که باید پیرامون آن تمرکز کرد. و نباید فراموش کرد که کنگو منابع طبیعی ارزشمند تراز تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا است. شرکت های فناوری ، نقض حقوق بشر قسمیکه کودکان و نوجوانان را برای استخراج در هفت معدن کوبالت و لیتیوم ( مینرال که در بطری ها از آن استفاده میشود) استخدام نموده اند که این خود نقض صریح از حقوق بشر است اکنون افریقا بعنوان مرکز شکل دادن به امپراتوری امریکا در قرن بیست و یکم تبدیل شده است.



**ضد امپریالیزم: اساس ویا بنیاد فقط یک سیاست خارجی:** این درگیری ها در حوزه حاکمیت منابع در امریکای لاتین ، خاورمیانه ، افریقا و آسیا ریشه دارد. آیا این کشورها ثروت های طبیعی خود را کنترل میکنند ویا در تحت تصرف خود دارند یا اینکه امپریالیزم ایالات متحده امریکا از آنها این منابع و ثروت ها را به سرقت می برد؟ لذا لازم پنداشته میشود که جنبش های صلح و دادخواهی و عدالت باید بر مبنای ضد امپریالیزم بنا نهاده شود و نباید به دروغ های مقامات منتخب ، نظامیان و رسانه های مزدور شرکت ها فریب خورد.

هستند کسانیکه بگونه واضح و روشن مخالفت شان را برضد امپریالیزم نشان نمیدهند و بویژه یک گروه کوچک از جناح نیروهای دست چپ که از مدتهای طولانی طرفداران



حقوق بشر و صلح ایالات متحده امریکا را از جمله آژامو بارکا (Ajamu Baraka) که بخاطر حفظ موقف خود در سوریه امپریالیزم امریکا انتقاد میکند. یا همچنان گروهی که قبلاً ناشناخته بود یعنی «لیگ برای حزب انقلابی» از تعداد کمی از اعضای سازمان بین المللی سوسیالیست و سوسیالیست های دموکرات امریکا تشکیل شده بود؛ آنها نشان دادند که چگونه کسانی که مخالفت با امپریالیزم را مبنای حمایت خود قرار نمیدهند بر راحتی اشتباه میکنند.

آنها بایستی باراکا را نگران میکردند و دیدگاه هایشان را بیرون از محدوده برای توجیه حمله خود را اعتراض به باراکا نشان میدادند، آنها به رهبر اتحادیه سیاه صلح حمله کردند و اعتراض خود را به نژاد پرستی اعمال کردند آنها همچنین به کاندیدی از جمله که دونفر از حزب جنگ را به چالش کشیده بودند اعتراض کردند چراکه او معاون رییس حزب سبز بود؛ اعتراض آنها نه تنها به پیشتیبانی نظامی امریکا در سوریه کمک کرد بلکه به دنبال تضعیف بازسازی جنبش صلح سیاه و چالش بر سر احزاب جنگی بود. اگر خودمان را در ضد امپریالیزم قرار دهیم، در آن صورت ما به راحتی گمراه نخواهیم شد. ما باید به حاکمیت سایر ملل و یا کشورها احترام بگذاریم و از حمایت مردم حمایت کنیم بدون اینکه خواهان دخالت ایالات متحده امریکا در امور کشورها شویم. مردم بسیاری از کشورهای دنیا مخالف امپریالیزم امریکا؛ جنگ اقتصادی؛ و تهدیدات نظامیگری هستند. این کار ما در خصوص ایالات متحده امریکا و با مردم امریکا اینچنین باید باشد که «نه» به امپریالیزم امریکا بگویم.

-----  
**با تقدیم سلامها «2018-06-15»**